

نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال نهم، شماره هفدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۶

درون‌مایه‌های ادبیات پایداری در شعر جورج شکور با تکیه بر «حماسه حسینی»

(علمی-پژوهشی)

علی اصغر یاری اصطهباناتی^۱

دکتر سردار اصلانی^۲

دکتر حمید احمدیان^۳

چکیده

جورج شکور یکی از شاعران مسیحی شیفته اهل بیت علیهم السلام است؛ جلوه‌هایی از این شیفتگی در چند اثر وی به نام «حماسه پیامبر» (ملحمة الرسول^(ص))، «حماسه حضرت علی» (ملحمة علی^(ع)) و «حماسه حسینی» (ملحمة الحسین^(ع)) دیده می‌شود. از میان این سه اثر، کتاب «حماسه حسینی» را به عنوان نمونه‌ای برای پژوهش خود برگزیده‌ایم. در عقیده شاعر، نوعی تعهد و وابستگی به لبنان و فلسطین وجود دارد؛ علاوه بر آن نفرت و انزجار او نسبت به دشمن دیرینه صهیونیستی آشکار است. این پژوهش بر آن است تا از طریق بررسی اشعار عاشورایی شاعر، به درون‌مایه‌های ادبیات پایداری در شعر وی، به ویژه ادبیاتی که به لبنان و فلسطین مربوط است، دست یابد. ویژگی‌هایی که جورج شکور از نهضت حسینی برداشت می‌کند، در

^۱ . دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول) ayari @gmail.com

^۲ . استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه اصفهان

^۳ . استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه اصفهان

واقع همان ویژگی‌هایی است که دوست دارد در وجود مردم فلسطین و لبنان باشد. سرودن «حماسه حسینی» و برداشت بن‌مایه‌های نهضت عاشورا، به او این توانایی را می‌دهد که روح آزادگی، پایداری، فداکاری و ظلم‌ستیزی را در وجدان جوانان فلسطین و لبنان زنده کند.

واژه‌های کلیدی

ادبیات پایداری، جورج شکور، حماسه حسینی، آزادگی

۱- مقدمه

با وجود اختلاف دین‌ها و مذهب‌هایی که در جهان وجود دارد، بسیاری از مردم که شیفته آزادی و عدالت هستند، امام حسین (ع) را کم و بیش می‌شناسند. این عشق و شناخت، به مسلمانان و شیعیان ختم نمی‌شود؛ بلکه مسیحیان و بوداییان نیز آزادی‌خواهی و فداکاری امام (ع) را می‌ستایند. در باور برخی از مردم، این فداکاری و شهادت امام حسین (ع) است که باعث روی آوردن غیرمسلمانان به ایشان شده است و آنها اعتقادی به امامت و عصمت آن حضرت ندارند و تنها دلاوری و بزرگی ایشان را می‌ستایند. با آوردن چند بیت از شاعر مسیحی جوزف الهاشم، رد این ادعا آشکار خواهد شد؛ جوزف الهاشم در کتاب شعر خود به نام «علویات، قصائد من وحی الإمام علی (ع)» می‌گوید:

«وَلِيٌّ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ»، وَسَيِّدُهُ	يَا أَيُّهَا الْقَوْمُ سِيرُوا تَحْتَ رَايَتِهِ
أَلْيَوْمَ أَكْمَلْتُ، يَا إِسْلَامَ، دِينَكُمْ	فَسَبِّحُوا اللَّهَ فِي إِتْمَامِ نِعْمَتِهِ
إِنْ يَجْهَلِ النَّاسُ، وَالتَّنْزِيلُ مُرْتَسِمٌ	«قُمْ يَا رَسُولُ وَبَلِّغْ وَحْيَ آيَتِهِ»
	(الهاشم، ۱۹۹۹م: ۴۹ و ۵۰)

ترجمه: «هرکس که مولای او بودم، او مولا و سرور شماست» ای قوم، زیر پرچم او حرکت کنید. امروز دین شما را کامل کردم و به خاطر اتمام نعمت خداوند، او را تسبیح گوید. برای اینکه مردم با وجود وحی در نادانی نمانند، ای پیامبر به پاخیز و پیام خداوند را به ایشان برسان.

و درباره عصمت اهل بیت (علیهم السلام) می‌گوید:

اللَّهُ طَهَّرَهُمْ... بِالْوَحْيِ كَلَّلَهُمْ بِالْبِرِّ جَلَّلَهُمْ... بِالْأَعْرَاقِ الشَّيْمِ
«وَأَذْهَبَ الرَّجْسَ عَنْهُمْ، إِنَّ عِصْمَتَهُمْ مَعْقُودَةٌ، لِكِتَابِ اللَّهِ وَالْقِيمِ
(همان: ۵۷)

ترجمه: خداوند آنها را پاکیزه نمود و تاج وحی بر سر آنان گذاشت و با نیکوکاری و ریشه‌دارترین اخلاق آنها را تکریم کرد. «و پلیدی را از آنان برد» و عصمت آنان به کتاب خداوند و ارزش‌ها گره خورده‌است.

البته این بدان معنا نیست که همه غیرمسلمانانی که از امام حسین (ع) پیروی کرده و یا شیفته ایشان بوده‌اند، به امامت و عصمت ایشان اعتقاد داشته‌اند؛ از سوی دیگر نیز صحیح نیست که بگوییم: تنها شیعیان به عصمت و امامت اهل بیت (ع) اعتقاد دارند. از میان غیرمسلمانانی که امام حسین (ع) را الگوی آزادی و فداکاری دانست، گاندی مبارز مشهور هند است که می‌گوید: از امام حسین (ع) آموختم که در عین مظلومیت پیروز شوم. (هیفا، ۱۳۸۹: ۱۳۴)

در این باره پیامبر اکرم (ص) نیز می‌فرماید: «إِنَّ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ (ع) حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا» - شهادت حسین (ع) حرارتی در دل‌های مؤمنان به جا می‌گذارد که هرگز سرد نمی‌شود - این حدیث نشانگر فراگیر بودن قیام امام حسین (ع) است که هر مذهب و دینی را

شامل می‌شود؛ زیرا از لفظ مؤمنان به جای مسلمانان استفاده نموده‌اند؛ استفاده از این لفظ بیانگر این است که مؤمنان تمامی ادیان را شامل می‌شود؛ و گرنه از لفظ مسلمانان به جای مؤمنان استفاده می‌نمود. (بارا، ۲۰۰۹م: ۸۱)

۱-۱- بیان مسئله

ظلم و ستم و تجاوز به حقوق مظلومان در بسیاری از سرزمین‌ها، شاعران و نویسندگان متعهد را بر آن داشته‌است که با قلم خود به کمک مردم مظلوم بشتابند. این ادبیات در میان مردم جهان با عنوان ادبیات پایداری شناخته می‌شود. «ادبیات پایداری عمدتاً به سروده‌ها، نمایشنامه‌ها، داستان‌های کوتاه و بلند، قطعات ادبی، طنزها، حسب حال‌ها، نامه‌ها و آثاری گفته می‌شود که در همین سده، نوشته و آفریده شده‌اند، و روح ستیز با جریان‌های ضد آزادی و ایستادگی در مقابل آنها را نشان می‌دهند و متضمن رهایی، رشد و بالندگی جامعه‌های انسانی هستند.» (آل بویه، ۱۳۹۰: ۲)

«از سال ۱۹۴۸ یک عقیده جدید، شروع به شکل‌دهی یک چارچوب تمدن نو کرد که تا زمان ما نیز ادامه دارد؛ از زمان مسئله فلسطین و تأسیس رژیم جعلی صهیونیستی مفاهیم جدیدی در وجود مردم و به ویژه مردم عرب‌زبان شکل گرفت که از جمله این مفاهیم قومیت عرب و وحدت هدف و سرنوشت عربی است.» (اسماعیل، ۲۰۰۷: ۳۷۴)

بدون شک ادبیات مسیحی از ادبیات اسلامی و به ویژه نهضت امام حسین (ع) اثرپذیری داشته‌است؛ ممکن است گفته شود: سرودن درباره امام حسین (ع) مسئله‌ای قومی - مذهبی است، نه مسئله اسلام و انسانیت؛ در پاسخ می‌توان گفت: ستودن قیام علیه ستم و طاغوت همان ستودن انسانیت است؛ حتی اگر انگیزه قومی - مذهبی در کار باشد، به طور مثال انقلاب فرانسه، الجزایر

و ویتنام انقلاب‌هایی قومی هستند؛ ولی با این حال انسانی و الهام‌دهنده بسیاری از انقلاب‌ها هستند. (شبر، ۱۹۶۹: ۱۱)

درباره اشعاری که درباره اهل بیت علیهم السلام گفته شده است سه رویکرد وجود دارد: الف) رویکرد خشم از کسانی که حق ایشان را پایمال کردند. ب) رویکرد غم به خاطر مصیبت‌ها و رنج‌هایی که بر ایشان وارد شد. ج) رویکرد عشق به اهل بیت علیهم السلام که هر روز بیشتر می‌شود. (کیلانی، ۱۹۹۶: ۸۴)

از میان ادیبان مسیحی، شاعران لبنانی سهم بسزایی در سرودن اشعار عاشورایی داشته‌اند. اگر در اشعار عاشورایی شاعران مسیحی لختی درنگ کنیم، درمی‌یابیم که برخی از آنان سعی دارند میان ادبیات عاشورایی و ادبیات پایداری لبنان و فلسطین ارتباط برقرار کنند؛ البته برخی از آنان در دوره اشغال و رشد غده سرطانی اسرائیل زندگی نکرده‌اند؛ مانند پولس سلامه که در سال ۱۹۰۲ م در یکی از روستاهای جنوب لبنان دیده به جهان گشود و سروده‌های بسیاری در مدح امام علی و امام حسین علیهما السلام دارد که مهم‌ترین آنها عیدالغدیر است. (نورالدین، ۱۹۸۸: ۱۲۱)

اما برخی دیگر دوره اشغال را دریافته و با الهام‌گیری از نهضت امام حسین (ع) به دفاع از لبنان و سرزمین فلسطین اشغالی پرداخته‌اند؛ در این زمینه می‌توان به سه شاعر برجسته اشاره نمود:

۱) جوزف هاشم (وزیر پیشین لبنان) که سروده‌های بسیاری در مدح اهل بیت علیهم السلام و پایداری لبنان و فلسطین دارد. (ن.ک: زینی‌وند، ۱۳۹۰: ۲۷۹)

۲) جورج زکی الحاج سراینده «قصیده الحسین یا ابن الکرام» با موضوع عاشورا و ادبیات پایداری لبنان و فلسطین. (الحاج، ۲۰۰۶: ۱۱)

۳) جورج شکور که سروده زیبایی به نام «ملحمة الحسین (ع)» (حماسه حسینی) دارد و در این پژوهش به بررسی آن خواهیم پرداخت. وی در این قصیده از طریق اشعار عاشورایی به پایداری لبنان و فلسطین در برابر اسرائیل غاصب اشاره دارد.

جورج شکور یکی از شاعران مسیحی لبنانی است که ارادت ویژه‌ای به اهل بیت علیهم السلام دارد. شکور سال ۱۹۳۵ در لبنان متولد شد. پس از گذراندن دوران تحصیل دانشگاهی، استاد و رئیس بخش زبان عربی دانشکده «الشرق الأوسط» لبنان شد. از هفده سالگی به نشر اشعار خود در روزنامه‌ها و مجلات پرداخت.

در سال ۱۹۷۱ نخستین مجموعه شعرش را به نام «وحدھا القمر» منتشر کرد. پس از آن نیز به تصحیح و انتشار دیوان برخی شاعران بزرگ عرب همچون «احمد شوقی» و «سعید عقل» پرداخت. وی علاوه بر سه حماسه‌ای که به آن اشاره کردیم، دو اثر به نام «زهرة الجمالیا» و «مرآة میرا» نیز دارد. (الباطین، ۱۹۹۵: ۷۱۴)

شکور شیفته و دلدادۀ امام حسین (ع) است؛ زیرا می‌بینیم ابتدا «حماسه حسینی» را سرود، سپس به سرودن «حماسه حضرت علی (ع)» و «حماسه پیامبر (ص)» پرداخت.

۱-۲- پیشینه تحقیق

درباره ادبیات پایداری و به ویژه ادبیات لبنان و فلسطین، کتاب‌ها و مقاله‌های بسیاری نگاشته شده‌است؛ درباره ادبیات پایداری و ادبیات عاشورایی در سروده‌های شاعران مسیحی می‌توان به دو پژوهش برجسته اشاره نمود:

- زینی وند، تورج. (بهار ۱۳۹۰). جلوه‌های ادبیات پایداری در شعر جوزف الهاشم. نشریه

ادبیات پایداری کرمان. سال دوم، شماره چهارم.

- بهزادی پور، اقدس. (دی‌ماه ۱۳۹۱). النبی وأهل البيت في مرآة أدب المسيحيين المعاصرين (پیامبر ص وأهل بیت ع در آینه ادبیات مسیحیان معاصر). پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید چمران اهواز.

اما درباره مضامین پایداری در شعر جورج شکور تاکنون پژوهشی انجام نشده است.

۱-۳- ضرورت و اهمیت تحقیق

این پژوهش از سه جنبه حائز اهمیت است: (۱) اهمیت بررسی بن‌مایه‌های ادبیات پایداری در شعر جورج شکور (۲) موضوع ملحمه الحسین (ع) که درباره واقعه عاشورا و عشق یک شاعر مسیحی به امام حسین (ع) است. (۳) اهمیت بررسی رابطه میان نهضت امام حسین (ع) و پایداری لبنان و فلسطین در برابر رژیم اشغالگر قدس.

۲- بحث

هدف این پژوهش، کشف ارتباط میان ادبیات پایداری لبنان و امام حسین (ع) و حادثه کربلا در شعر جورج شکور و بررسی درون‌مایه‌های ادبیات پایداری در کتاب «حماسه حسینی» است.

۲-۱- هدایت‌گری

این سروده آغازی حماسی دارد؛ گویی شاعر از همان ابتدا خواهان دفاع از حق در برابر باطل است؛ وی در این دو بیت به خون امام حسین (ع) اشاره می‌کند که همچنان به عنوان مظهر

شهادت در راه خدا و احیاگر دین جدش (ص) به شمار می‌رود؛ همان گونه که گفته شده است:
 «اسلام آغازش محمدی و بقایش حسینی است.» (بارا، ۲۰۰۹: ۱۲۸)

جورج شکور هدایتی را در این خون می‌بیند که هیچ گاه به هدر نرفته و پایمال نمی‌شود و مردم آزادیخواه - هر عقیده‌ای که داشته باشند - باید امام حسین(ع) را الگوی خود قرار دهند:

عَلَى الضَّمِيرِ دَمٌ كَالنَّارِ مَوَارٍ إِنَّ يُذْبِحِ الْحَقُّ فَالذُّبْحُ كَفَّارٌ
 دَمُ الْحُسَيْنِ سَخِيٌّ فِي شَهَادَتِهِ مَا ضَاعَ هَدْرًا، بِهِ لِلْهَدْيِ أَنْوَارٌ

(شکور، ۲۰۰۹: ۷)

ترجمه: وجدان انسان خونی جوشان همچون آتش دارد و اگر حق پایمال شود، پایمال کننده را کافر می‌داند. خون امام حسین(ع) با وجود شهادت بخشنده است و نه تنها به هدر نرفته است، بلکه همچنان منبع هدایت است.

شاعر به خونی اشاره می‌کند که سخاوتمندانه ریخته شده است تا راه راست را به جهانیان نشان دهد؛ به همین دلیل، امروزه میلیون‌ها نفر از عرب و غیر عرب، مسلمان و غیرمسلمان را مشاهده می‌کنیم که امام حسین(ع) و شعار ایشان را فراموش نکرده‌اند و پیوسته آن را سر می‌دهند: من مرگ را جز سعادت و زندگی با ستمگران را جز خستگی و بیزاری نمی‌دانم.
 (مطهری، ۱۹۹۲: ۲۴۵)

بنابراین هدایتگری امام(ع) مختص یک دین یا یک مذهب نیست؛ بلکه هر انقلابی علیه ظلم و طاغوت چه در خاور چه در باختر، انقلابی حسینی است؛ هر چند صاحبان آن به خدا و آخرت اعتقاد نداشته باشند؛ زیرا ظلم و ستم زشت و ناپسند است، خواه بر سر مؤمن باشد یا کافر، و هر انسانی خود را در راه نیکی و انسانیت فدا کند، در این کار خود حسینی است؛

هرچند نام حسین بر خود نهاده باشد؛ زیرا انسانیت فقط در یک دین و یک قومیت نیست.

(شیر، ۱۹۶۹: ۱۳)

۲-۲- پایداری

جورج شکور بر این عقیده است که اگر وجود امام حسین(ع) و امام علی(ع) در میراث عربی نبود، شاید مقاومتی هم در کار نبود؛ این مقاومت به صورت بدیهی نبوده است؛ بلکه این میراث گرانبها از امام حسین(ع) به جا مانده است؛ همانگونه که مرتبط با امام علی و مسیح(ع) بوده است (شکور، ۲۰۱۲: ۱۵).

کمتر کسی است که از تلاش‌های یزید برای بیعت گرفتن از امام حسین(ع) بی‌خبر باشد. مقاومتی که امام در این راه از خود نشان داده‌اند، هرکسی را شگفت‌زده می‌کند؛ به طور کلی، اهل بیت علیهم السلام، همه دارای ویژگی ذلت‌ناپذیری بوده‌اند، از همین رو، پیشنهادها و جایگاه‌هایی که از سوی بنی امیه و بنی عباس به آنان داده می‌شد را هیچ‌گاه نپذیرفتند؛ البته از نوادگان معصوم پیامبر(ص) انتظاری جز این نیست. این موضوع از چشم شاعر مسیحی نیز پنهان نمانده است؛ جورج شکور چند بیت از حماسه خود را به این موضوع اختصاص داده است، و نه گفتن امام حسین(ع) در بیعت با یزید را مانند شمشیر بران می‌داند:

هَذَا «يَزِيدُ» دَعَى الْحُكْمَ يُنْذِرُهُ وَهَلْ يُبَاعُ بِالْأَحْكَامِ فُجَّارُ؟
رَدَّ «الْحُسَيْنُ» بِالْ«لَا» كَالسَّيْفِ صَارِمَةً وَسَيِّدُ الْحَقِّ بِاللَّاءِاتِ زَأْرُ
(شکور، ۲۰۰۹: ۱۱ و ۱۲)

ترجمه: این یزید مدعی حکومت، امام حسین (ع) را می ترساند. آیا بدکاران به زور بیعت می گیرند؟ ولی امام حسین (ع) مانند شمشیر بران به او - یزید - نه گفت، بلکه مولای حق چون شیر غران در برابر ظلم نه می گوید.

علاوه بر معنای این دو بیت که بیانگر ظلم ستیزی و تسلیم نشدن امام در برابر ظلم و ستم است، واژگانی که شاعر برمیگزیند مانند: «لا»، «السیف»، «صارمه» و «زأراً» از نظر موسیقایی چنان کوبنده است که خواننده فارسی زبان نیز بدون درک معنا و تنها از طریق موسیقی این واژگان، به پاسخ کوبنده امام (ع) پی می برد. شاعر این ابیات را از زبان امام حسین (ع) سروده است و دلیل بیعت نکردن امام با یزید را از زبان وی توضیح می دهد؛ زیرا او انسانی شریف، بزرگوار و دارای جایگاه دینی و اجتماعی ویژه ای در جامعه اسلامی است؛ پس چگونه در برابر یزید فاسق تسلیم شود و با او بیعت کند؛ همان گونه که امام خود می گوید: یزید مردی شرابخوار، فاسق و آدمکش است و فردی مانند من با او بیعت نمی کند. (المقرّم، ۱۹۷۹: ۱۳۱)

سَمِعْتُ جَدِّي رَسُولَ اللَّهِ حَرَمَهَا
فَلا خِلاَفَةَ فِي «سُفْيَانٍ» تُشْتَارُ
المَبْدَأُ الحُرُّ سِرًّا لاَ أدْنُسُهُ
مقدّس، و حَمَاهُ السُّرُّ أحرارُ
(شکور، ۲۰۰۹: ۱۲)

ترجمه: شنیدم که جدم رسول خدا (ص) خلافت را بر سفیان حرام کرد و هرگز برای امر خلافت با سفیان مشورت نشد. اساس خالص خلافت پاک و مقدّس است که من آن را آلوده نمی کنم و حمایت کنندگان از پاکی آزادگان اند.

هنگامی که تاریخ را مطالعه می کنیم درمی یابیم که حاکمان ستمگر و زورگو به هر وسیله ای چنگ می زدند تا بر فقرا و مستضعفین حکومت کنند؛ از جمله این وسایل که تقریباً در

هر زمانی مشاهده می‌کنیم به کارگیری افراد مزدور و خائن از میان خود مردم است که با سیر کردن آنها هر جنبش مردمی را در نطفه خفه می‌کنند. این بعد اجتماعی که هم در زمان امام(ع) بوده و هم امروزه ملت‌های مظلوم با آن دست به گریبان هستند، خریداری اعتقادات و باروهای مردم، یا توسل به زور و ترور برای دست برداشتن از این باورهاست. تاریخ پر از داستان‌هایی است که مزدوران چگونه به مردم خیانت می‌کرده و باعث شکست جنبش می‌شده‌اند؛ ولی درباره امام حسین(ع) و یاران باوفای وی، مسئله کاملاً متفاوت است و هیچ چیز باعث عقب‌نشینی آنها نمی‌شود، حتی ترس از مرگ؛ جورج شکور در ابیاتی چند به این موضوع اشاره می‌کند:

دَرِي يَزِيدُ بِمَا دَارَ الزَّمَانُ بِهِ فَدَارَ مِنْهُ عَلَى الثُّوَارِ سَمْسَارُ
هَذَا يُعَلِّقُهُ بِالْمُعْرِيَاتِ، وَذَا بِالْمُرْهَبَاتِ، وَجَيْشُ الْجَوْرِ جَرَّارُ
تُشْرَى شُعُوبٌ إِذَا جَاعَتْ، وَإِنْ جَزَعَتْ فَالظُّلْمُ مُرْتَهَبٌ، وَالْمَالُ غَرَّارُ
لَكِنَّمَا شُهَدَاءُ الْحَقِّ مِنْ كِبَرٍ وَالشَّامِخُ الْحُرُّ لَا يُغْرِبُهُ دِينَارُ
(همان: ۱۹ و ۲۰)

ترجمه: یزید دانست که روزگار چه بر سر او آورده و مزدوران وی شروع به جاسوسی از قیام‌کنندگان کردند. قصد داشتند گروهی را با پول و گروهی را با ترس از راه به در آورند. ملت‌ها هنگامی که گرسنه بمانند یا بترسند زود گول می‌خورند؛ زیرا ستم، ترسناک و پول، وسوسه‌کننده است؛ اما شهدای بزرگ و آزاده با هیچ پول و ثروتی وسوسه نمی‌شوند.

اگر در مصراع اول بیت سوم اندیشه کنیم، در می‌یابیم که بکارگیری شاعر از واژه «شعوب» (ملت‌ها) آن هم به صورت نکره، بیانگر فراگیر بودن مسئله خیانت و پول‌پرستی مزدوران است و تنها به زمان امام حسین (ع) ختم نمی‌شود.

۲-۳ - شهادت طلبی

شاعر در مصاحبه‌ای با مجله لبنانی «بینات» می‌گوید: شَهَادَةُ الْحُسَيْنِ حَدَثٌ تَسْتَهْدِي بِهِ الشُّعُوبُ الْبَاحِثَةَ عَنِ الْحُرِّيَّةِ - شهادت امام حسین (ع) حادثه‌ای است که ملت‌های خواستار آزادی به وسیله آن هدایت می‌جویند - (شکور، ۲۰۱۲: ۱).

از درون‌مایه‌های دیگر ادبیات پایداری که در «حماسه حسینی» دیده می‌شود، روحیه شهادت طلبی است؛ چنانکه شاعر با الهام گرفتن از حادثه کربلا و شهادت امام حسین (ع) بر این عقیده است که مردم سرزمین‌های گوناگون، برای رهایی از دشمنان باید شهادت داشته باشند و خود نیز بر این عقیده است و اعتراف می‌کند: اگر با امام حسین (ع) بودم، کشته می‌شدم و آن شهادت باعث عزت و افتخار من بود (أسرة الهادی، ۲۰۱۱: ۱۳).

شاعر در ابیاتی - که در مبحث هدایتگری نیز به آن اشاره شد - می‌گوید: شهادت حسین (ع) به خاطر دفاع از ارزش‌ها یک واقعه تاریخی و جهانی به شمار می‌رود؛ حادثه‌ای که ملت‌های بیدار برای رسیدن به آزادی و حقوق خود از آن هدایت می‌جویند:

عَلَى الضَّمِيرِ دَمٌ كَالنَّارِ مَوَّارٌ	إِنْ يُذْبِحِ الْحَقُّ فَالذُّبْحُ كَفَّارٌ
دَمُ الْحُسَيْنِ سَخِيٌّ فِي شَهَادَتِهِ	مَا ضَاعَ هَدْرًا بِهِ لِلْهَدْيِ أَنْوَارٌ
وَلِلشَّهَادَةِ طَعْمٌ لَمْ يَذُقْهُ سِوَى	الشُّمِّ الْأَلِيِّ أَقْسَمُوا إِنْ يُظْلَمُوا تَارُوا

(شکور، ۲۰۰۹: ۷)

ترجمه: وجدان انسان خونی جوشان همچون آتش دارد و اگر حق پایمال شود، پایمال‌کننده را کافر می‌داند. خون امام حسین(ع) با وجود شهادت، بخشنده است و نه تنها به هدر نرفته است، بلکه همچنان منبع هدایت است. شهادت طعمی دارد که به جز انسان‌های بلندمرتبه کسی آن را نچشیده‌است؛ همان‌هایی که سوگند یاد کردند اگر بر آنها ستم روا شود، قیام می‌کنند.

نکته جالب توجه در «حماسه حسینی» جورج شکور پرداختن شاعر به یک قهرمان - امام حسین(ع) - است. این امر باعث می‌شود که خواننده قهرمان خود را در میان قهرمانان متعدد گم نکند؛ علاوه بر آن شاعر زمینه را فراهم می‌بیند که بیشتر به قهرمان اصلی خود پردازد؛ در حالی که بسیاری از حماسه‌ها به قهرمانان متعددی می‌پردازند و قهرمان اصلی را چنانکه شایسته اوست، وصف نمی‌کنند.

در جایی دیگر ارزش والایی به شهید و روح وی می‌دهد به گونه‌ای که شهید را تقسیم‌کننده درجات عالی بهشت و هم‌ردیف پاکان می‌داند:

مَدَارِجُ الْجَنَّةِ الْعُلْيَا تُورَعُهَا رُوحُ الشَّهِيدِ، وَأَبْرَارٌ وَأَطَهَارٌ
(همان: ۱۶)

ترجمه: درجات والای بهشت را روح شهید و پاکان و برگزیدگان تقسیم می‌کنند.

شایان ذکر است که در «حماسه حسینی»، شاعر هیچ‌گاه از واژه «قتل» برای امام حسین(ع) استفاده نکرده است؛ بلکه در ابیاتی که پیرامون شهادت امام است، واژه «شهادت» و «شهید» را به کار برده است.

۲- ۴ - جهاد و شجاعت

از ویژگی‌هایی که شاعر برای امام حسین (ع) آورده است و بیشتر مردم آن را در صدر ویژگی‌های امام به شمار می‌آورند، شجاعت است. شجاعت امام باعث شگفتی بیشتر غیرمسلمانان به ویژه مسیحیان شده است. امام حسین (ع) که با اهل بیت خود علیه ستم و فساد یزید قیام کرد، بهترین مصداق برای این آیه از قرآن کریم به شمار می‌رود: **إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ** (الحجرات/۱۵).

شاعر در این باره می‌گوید:

قَالَ «الْحُسَيْنُ»: مَشَيْتَاهَا خُطَى كَتَبْتُ إِلَى الْجِهَادِ، وَإِلَّا هَدَانَا الْعَارُ (شکور، ۲۰۰۹: ۱۶)

ترجمه: امام حسین (ع) فرمود: ما گام به گام به سمت جهاد آمدیم؛ و گرنه ننگ، ما را نابود می‌کرد.

در جایی دیگر امام حسین و اصحاب وی علیهم السلام را به عقاب‌هایی تشبیه می‌کند که اگر از زندگی دنیا خسته شوند، به سمت آسمان پرواز می‌کنند - به سمت شهادت می‌روند - و علی‌رغم تهدیدهایی که از جانب یزید می‌شدند، راه خود را ادامه دادند:

نَحْنُ النَّسُورُ، سَمَاءُ اللَّهِ مَسْرَحُنَا
أَرْوَاحُنَا فَوْقُ، إِنْ ضَاقَتْ بِنَا الدَّارُ
مَضَى إِلَى مَكَّةَ الْبَطْحَاءِ مُعْتَرِمًا
لَمْ يَنْتَبِهْ نَاصِحٌ، لَمْ تُجَدِ أَعْدَاؤُ
(همان: ۱۶)

ترجمه: ما عقاب‌هایی هستیم که آسمان خدا جایگاه ماست و اگر از زندگی دنیا خسته شویم به سمت آسمان پرواز می‌کنیم. امام حسین (ع) استوار و با اراده‌ای قوی، به سمت مکه رفت و به نصیحت کسی نیز توجه نکرد.

شجاعت امام حسین (ع) صفتی است که هیچ کس از آن تعجب نمی‌کند؛ زیرا از کوزه همان برون تراود که در اوست. شجاعت او صفتی است که از پدر و جد خود به ارث برده و برای فرزندان پس از خود به ارث گذاشته است. در بنی آدم هیچ کس شجاع تر از امام حسین (ع) با آنچه که در حادثه کربلا برای او پیش آمد، نیست. (عقاد، بی تا: ۳۶)

۲- ۵ - فداکاری

اندیشمندان مسیحی بر این اعتقادند که فداکاری و شهادت، دو رکن اساسی دین مسیحی است و شباهت‌های چندی میان فداکاری و شهادت امام حسین و حضرت عیسی علیهما السلام وجود دارد. تمامی ادبای مسیحی که از امام حسین (ع) نوشته‌اند، به فداکاری ایشان اعتراف می‌کنند و اینکه چگونه خود و خانواده خود را فدا کرد تا اسلام را زنده کند؛ اسلامی که رفته رفته به دست بنی امیه به سمت زوال پیش می‌رفت. عبارت‌های فداکاری در ادبیات مسیحیان دیده می‌شود؛ زیرا آنان شیفته امام و فداکاری وی هستند؛ در این جا به چند بیت از شاعران مسیحی که درون‌مایه فداکاری در آن وجود دارد اشاره می‌کنیم:

وَلَقَدْ عِشْتَ لِلرَّمَّاحِ الْعَوَالِي فِي سَبِيلِ الْإِلَهِ يُفَدَى بِنَفْسِ
(قسّیس، ۲۰۱۱: ۲۴)

ترجمه: تو عمری به انتظار نیزه‌های بلند زندگی کردی، تا در راه خدا خودت را فدا کنی.

مَنْدُورَةٌ نَفْسُكَ الشَّمَاءُ مُدُّ بُرْنَتُ لِلْجُودِ بِالرُّوحِ، مَا أَسْمَاءُ مِنْ كَرَمِ

(الهاسم، ۱۹۹۹: ۵۸)

ترجمه: تو - ای حسین (ع) - وجود شریف و پاک خود را، با بخشش روح نذر خداوند کردی؛ عجب کرم و بخششی.

«إِنْ تُعَانِدْ تَمُتْ حُسَيْنٌ قَتِيلًا» فَاَنْظُرِ الْجَيْشَ زَاخِرًا جَرَارًا
وَتَبَّ الْبَاسِلُ الْأَبَىُّ وَتُوبَ الْـ لَيْتَ فِي الْقَيْدِ غَاضِبًا زَّارًا
قَالَ يَا "حُرُّ" لَسْتُ أَخْشَى الْمَنَايَا لَا وَرَبِّي لَقَدْ سَمِئْتُ أَنْتَظَارَا
(سلامه، ۱۹۷۳: ۲۵۴)

ترجمه: حربین یزید ریاحی به امام حسین (ع) گفت: ای حسین اگر سرکشی کنی کشته می شوی، به سپاه دشمن نگاه کن که چقدر زیاد است. امام شجاع و بی باک مانند شیر خشمگین و در بند، از جا برخاست. گفت: ای حر! به خدا سوگند من از مرگ نمی ترسم و از انتظار خسته شده ام.

شاعر در حماسه خود از شخصیت های تاریخی و دینی مسیحی بهره می گیرد؛ از جمله این شخصیت ها می توان به حضرت عیسی، حضرت یحیی (یوحنا) علیهما السلام و سقراط اشاره نمود؛ حضرت عیسی (ع) تشنه به صلیب کشیده شد؛ حضرت یحیی (ع) در راه خدا جان داد و سر وی را از تن جدا کردند؛ در انجیل، داستان حضرت یحیی چنین آمده است: فَإِنَّ هِيرُودُسَ كَانَ قَدْ أَمْسَكَ يُوْحَنَّا وَأَوْثَقَهُ وَطَرَحَهُ فِي سَجْنٍ مِنْ أَجْلِ هِيرُودِيَّا امْرَأَةٍ فَيُبْسِ أَخِيهِ، لِأَنَّ يُوْحَنَّا كَانَ يَقُولُ لَهُ: «لَا يَحِلُّ أَنْ تَكُونَ لَكَ» (هیرودس به خاطر همسر برادرش فیلبس یحیی را دستگیر کرد، به بند کشید و به زندان انداخت، زیرا یحیی به او گفته بود این زن برای تو حلال نیست). (متی / ۱۴). شخصیت تاریخی مورد توجه شاعر، سقراط است که او نیز در راه رهایی مردم از

نادانی و دفاع از عقیده، جان خود را از دست داد؛ شاعر این داستان‌ها را به خوبی در چند بیت به کار می‌گیرد، و شهادت امام حسین (ع) را در ادامه همین از جان‌گذشتگی‌ها می‌داند:

يَوْمَ الْحُسَيْنِ بِكَ الْأَيَّامُ شَامِخَةً	وَقَدْ تَشَابَهَ فِي التَّارِيخِ أَدْوَارُ
ذَكَرْتَنِي كَأَسْ سُمِّ رَاحٍ يَجْرَعُهَا	سُقْرَاطُ حُرّاً، وَلَمْ تَأْسِرْهُ أَفْكَارُ
ذَكَرْتَنِي رَأْسَ يُوحَنَّا بِهِ حَلَمَتْ	إِخْدَى الْعَوَاهِرِ، وَالظُّلَامُ عَهَارُ
ذَكَرْتَنِيهِ يَسُوعَ الْحَقِّ، مُرْتَفِعاً	عَلَى الصَّلِيبِ، وَفِي كَفِّهِ مِسْمَارُ
إِنَّ الْعَقَائِدَ مَا هَانَتْ، وَمَا وَهَنْتَ	وَإِنْ أَحَاطَ بِهَا حَطْبٌ وَأَخْطَارُ

(شکور، ۲۰۰۹: ۲۴ و ۲۵)

ترجمه: ای روز شهادت حسین، روزهای دیگر به تو افتخار می‌کنند، حال آنکه تاریخ روزهایی شبیه به هم دارد. تو جام زهری که سقراط نوشید و از عقیده خود دست برنداشت را به یاد من آوردی. به یاد من آوردی که چگونه سر یحیی به خاطر یک بدکردار از تن جدا شد. به یاد من آوردی که مسیح (ع) به صلیب کشیده شد و میخکوب شد. عقیده‌ها هیچگاه بی ارزش و سست نمی‌شود؛ هرچند که حادثه و خطر، آن را در بر گرفته باشد.

شاعر با بیان این پایداری‌ها به این نکته اشاره دارد که انسان‌های متعهد هیچگاه دست از ایمان و عقیده خود بر نمی‌دارند؛ هرچند که مورد تهدید قرار گیرند. این پایداری و فداکاری تنها به این چهار داستان ختم نمی‌شود؛ شاعر مسیحی به خوبی با الهام‌گیری از نهضت امام حسین (ع) و حادثه کربلا، روحیه مقاومت و آزادگی را در وجود جوانان لبنان به تصویر می‌کشد و بر این عقیده است که شهدای ما در عصر کنونی نوادگان حسین (ع) هستند؛ زیرا اقتداکنندگان به شهادت حسین (ع)، به خاطر رهایی لبنان به شهادت رسیدند:

يَوْمَ الْحُسَيْنِ هُمْ الْأَحْفَادُ أَنْهَارُ فِي الْعَالَمِينَ، لَهُمْ دَفْقٌ وَتِيَارُ

مُنْذُ ضَمِيمٍ لِبْنَانُ، وَاعْتَرَّ الْغَزَاةُ بِهِ
 وَرَدَّدُوا قَوْلَهُ، وَالِدَهُرُ رَدَّدَهَا:
 «الْقُدْسُ» عَاصِمَةٌ فِي الْأَرْضِ قَائِمَةٌ
 كَانُوا الْفِدَاءَ، وَرَدَّ الْأَرْضَ تُوَارُ
 مَا ضَاعَ حَقُّ بِهِ صَكُّ وَإِفْرَارُ
 وَفِي السَّمَاءِ لَهَا بِالرُّوحِ إِعْمَارُ
 (شکور، ۲۰۰۹: ۳۴ و ۳۵)

ترجمه: در روز شهادت امام حسین (ع) آنها (جوانان لبنان) نوادگان امام و رهروان راه آن حضرت اند که مانند رودهای خروشان در تکاپو هستند. از زمانی که به لبنان ستم وارد شده است و جنگ طلبان به آن هجوم آورده اند، آنها فداکاری کرده و سرزمینشان را برگردانده اند. پیاپی این سخن را تکرار کرده اند که حقی که مشخص و واضح باشد، ضایع نمی شود. قدس پایتختی است که در زمین و آسمان استوار و آباد است.

معنای ابیات و به ویژه واژگانی مانند: لبنان، فلسطین، أحفاد (نوادگان) و أرض، بیانگر این است که اگرچه این حماسه درباره امام حسین (ع) و حادثه کربلا سروده شده، ولی پایداری لبنان و فلسطین از چشم شاعر پنهان نمانده است.

شعر پایداری از سرزمین تعهد و تعهد سرزمین سرچشمه گرفت و با وجود همه سختی هایی که در پیش رو داشت، از نظر شکل و درون مایه جایگاهی درخور توجه به خود اختصاص داد که این امر باعث شده است پیشاهنگ جنبش فرهنگی عربی حاضر باشد. در واقع ادبیات پایداری، در طول تاریخ و در کشاکش تهاجم قدرت ها و تدافع ملت های سلطه ناپذیر، همواره به مثابه سلاحی بازدارنده رخ نموده و زمینه احیا، تداوم و بقای فرهنگی جوامع مورد هجوم یا تحت سلطه را فراهم آورده است. (کنفانی، ۱۳۶۱: ۱۷) آنچه امروزه در لبنان، فلسطین و سوریه شاهد آن هستیم، نمونه ای از همین نوع پایداری و فداکاری است.

شاعر بیتی را درباره بی وفایی کوفیان و اینکه چگونه امام حسین (ع) و یارانش را در این کارزار تنها گذاشته اند سروده است که بی ارتباط با مسئله دفاع از لبنان و فلسطین نیست؛ به اعتقاد

شاعر همان‌گونه که کوفیان به امام حسین (ع) و یارانش پشت کردند، دو کشور لبنان و فلسطین نیز در برابر هجوم اسرائیل غاصب، با بی‌وفایی کشورهای عربی مواجه شده و تنها مانده‌اند:

قُلُوبُهُمْ مَعَهُ فِي السَّرِّ خَافِقَةٌ عَلَيْهِ أَسْيَافُهُمْ فِي الْجَهْرِ جُهَّارٌ

(همان: ۱۹)

ترجمه: قلب‌های آنها به طور پنهانی برای او - امام حسین (ع) - می‌تپد؛ در حالی که شمشیرهایشان آشکارا علیه آن حضرت کشیده شده‌است.

زمانی که امام حسین (ع) درباره حال و هوای کوفیان سؤال کرد، چنین شنید: «يا بن رسول الله اما اشراف الناس فقد طمت رؤوسهم بالمال واما سائر الناس فقلوبهم معك و اسيافهم عليك» - ای پسر پیامبر! بزرگان مردم به فکر مال و ثروت‌اند و بقیه مردم دل‌های آنان با توست؛ ولی شمشیرشان علیه تو. (ابومخنف، بی تا: ۷۱)

۳ - نتیجه‌گیری

شاعر در «حماسه حسینی» (ملحمة الحسين^(ع)) با اینکه حدود ۸۰ بیت بیشتر نیست، به خوبی صفت‌ها و ویژگی‌های امام حسین (ع) از قبیل: هدایتگری، آزادگی، شجاعت و فداکاری را بیان کرده‌است.

شاعر با به کار بردن صفت‌ها و ویژگی‌هایی برای امام حسین (ع)، به پایداری کنونی فلسطین و لبنان اشاره می‌کند.

توصیفی که این شاعر مسیحی از امام حسین(ع) دارد، - شهادت در راه خدا، فداکاری و پشت کردن به دنیا - همانند توصیفی است که ما شیعیان از آن حضرت داریم و این نشانه درک بالای این شاعر از امام حسین(ع) است.

شاعر گه گاه از واژه‌هایی بهره می‌گیرد که از نظر موسیقی با موضوع هماهنگ است؛ به طور مثال در جایی که موضوع درباره امتناع امام(ع) از بیعت با یزید است، ابیات این حماسه را چنان کوبنده و با صلابت می‌سراید که روح مبارزه‌طلبی و فریاد در برابر ستمگران به خوبی جلوه‌گر است.

شروع «حماسه حسینی» با ابیات عاشورایی و پایان آن با مسئله فلسطین و لبنان و مبارزه در برابر رژیم صهیونیستی است که این نشانه‌ای از ارتباط میان عاشورا و پایداری لبنان و فلسطین در این حماسه است.

در مبحث مبارزه تا رسیدن به هدف، شاعر به داستان‌های تاریخی و داستان‌هایی که در دین مسیحی وجود دارد اشاره می‌کند و حادثه کربلا و فداکاری جوانان لبنان را در ادامه این مسیر می‌داند؛ مانند داستان شهادت حضرت عیسی و یحیی علیهما السلام و کشته شدن سقراط در راه دفاع از عقیده خود.

به طور کلی درون‌مایه‌های ادبیات پایداری در «حماسه حسینی» همان ویژگی‌هایی است که شاعر برای امام حسین(ع) به شمار می‌آورد؛ به عبارت دیگر، همان‌گونه که امام حسین(ع) را با صفت‌هایی مانند: آزادگی، فداکاری، شجاعت، شهادت‌طلبی، هدایتگری و... وصف می‌کند، سعی دارد روح آزادگی، شجاعت و فداکاری را در جوانان لبنان و فلسطین زنده کند.

فهرست منابع

الف. کتاب‌ها

۱. قرآن کریم
۲. کتاب المقدّس (انجیل).
۳. أبو مخنف. (بی تا). **مقتل الحسین (ع)**. (ط ۲). قم: منشورات الرضی.
۴. اسماعیل، عزالدین. (۲۰۰۷م). **الشعر العربی المعاصر قضایاه و ظواهره الفنيّة و المعنویة**. بیروت: دارالعودة.
۵. الباطین، عبدالعزیز. (۱۹۹۵م). **معجم بابطین**، المجلد ۱، الکویت: مؤسسه بابطین.
۶. بارا، آنطوان. (۲۰۰۹م). **الإمام الحسین (ع) فی الفكر المسیحی**. (ط ۵). بیروت: دار العلوم.
۷. الحاج، جورج زکی. (۲۰۰۶م). **قصيدة الحسین (ع) یا ابن الکرام**. بیروت: دون ناشر.
۸. سلامة، بولس. (۱۹۷۳م). **عيد الغدير**. بیروت: دار الكتاب اللبنانی.
۹. _____ (۲۰۰۴م). **مآثر الإمام علی بن أبي طالب والإمام الحسین (عليهما السلام) فی وجدان بولس سلامة و شعره**. بیروت: دارالحمراء.
۱۰. شبر، جواد. (۱۹۶۹م). **أدب الطف**. (ج ۱). بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۱۱. شکور، جورج. (۲۰۰۹م). **ملحمة الحسین (ع)**. (ط ۲). بیروت: ساب انترناسیونال.
۱۲. قسیس، ریمون. (۲۰۱۱م). **ملحمة الحسین (ع)**. بیروت: دار المحجة البيضاء.
۱۳. کنفانی، غسان. (۱۳۶۱ه.ش). **ادبیات مقاومت در فلسطین اشغالی**. ترجمه موسی اسوار. تهران: سروش.

۱۴. کیلانی، محمد سید. (۱۹۹۶م). **أثر التشیع فی الأدب العربی**. قاهره: دار العرب للبیستانی.
۱۵. مطهری، مرتضی. (۱۹۹۲م). **الملحمة الحسینیة**. (ج ۲). لبنان: الدار الإسلامیة.
۱۶. المقرّم، عبدالرزاق الموسوی. (۱۹۷۹م). **مقتل الحسین (ع)**. (ط ۵). بیروت: دار الکتب الإسلامیة.
۱۷. نورالدین، حسن. (۱۹۸۸م). **عاشوراء فی الأدب العاملی المعاصر**. بیروت: الدار الإسلامیة.
۱۸. الهاشم، جوزف. (۱۹۹۹م). **علویات قصائد من وحی الإمام علی (ع)**. بیروت: بدون ناشر.
۱۹. هیفا، راجی أنور. (۱۳۸۹ه.ش). **امام علی (ع) در اندیشه مسیحیت معاصر**. ترجمه: مرتضی قائمی و نوذر عباسی. همدان: انتشارات دانشگاه بوعلی سینا.

ب. مقاله‌ها

۲۰. آل بویه، عبدالعلی. (بهار ۱۳۹۰). جلوه‌های پایداری در شعر ابوالقاسم شابی. نشریه ادبیات پایداری کرمان، سال دوم، شماره سوم. صص ۱-۲۷.
۲۱. زینی‌وند، تورج. (بهار ۱۳۹۰). جلوه‌های ادبیات پایداری در شعر جوزف الهاشم. نشریه ادبیات پایداری کرمان، سال دوم، شماره سوم. صص ۲۷۷-۲۹۷.
۲۲. شکور، جورج. (۲۰۱۲م). **جريدة البینات**. مؤسسه العلامة المرجع السید محمد حسین فضل الله، بیروت، العدد ۳۹۴. ص ۳۰.
۲۳. أسرة الهادی. (۲۰۱۱م). **جريدة الهادی**. مؤسسه الإمام علی (ع) لندن، سنة ۳، العدد ۳۲. صص ۱۳ و ۱۴.

